Sport Physiology & Sport Management Investigations
Vol. 18, N.2, Summer 2026
75-93

Identifying the Factors Affecting Electoral Engineering in Sports Boards and Federations of Iran

Navid Yazdani[1] - Korosh Veisi [*2] - Seyyd Abdolhamid Ahmadi [3]
1 .PhD in sport management, Department of Physical Education, Sa. C., Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. 2 .Assistant professor of sport management, Department of Physical Education, Sa. C., Islamic Azad University, Sanandaj, Iran
3.Associate professor, Department of Physical Education, university of science and culture, Tehran, iran.
(Received:2026/05/10; Accepted:2026/07/26)

Abstract
Electoral engineering is a complex phenomenon influenced by various structural, political, economic, social, and individual factors, which affects the electoral process of federations. The main purpose of this research is to identify these factors and analyze their effects on the decision-making and performance of federations. This research is applied in terms of purpose and qualitative in nature, conducted using the thematic analysis approach of Braun and Clarke (2006). The research population included candidates and presidents of provincial sports boards and federations, director generals of sports and youth, and representatives of referees, coaches, and athletes in electoral assemblies who had the right to vote, selected using a purposive sampling method. Data were collected through in-depth semi-structured interviews, and the sampling process continued until theoretical saturation was reached, resulting in a total of 15 interviews. The data were analyzed based on Braun and Clarke's (2006) six-phase thematic analysis framework, and coding was done manually. The research findings led to the identification of 6 main themes and 22 sub-themes, encompassing various dimensions of electoral engineering, including resource engineering, media engineering, governmental and political engineering, qualification engineering, legal engineering, and structural engineering. This research emphasizes that electoral engineering in Iran's sports federations, due to the complex interaction of these factors, requires fundamental reforms in laws, oversight, and transparency. Strengthening oversight, reducing political and economic influence, and implementing changes in electoral processes can lead to improved transparency, fairness, and efficiency in federation elections. Furthermore, this research provides suggestions for improving the electoral process and mitigating the negative effects of electoral engineering.

Keywords
Electoral engineering, Oversight, Organizational Corruption, Sports Federations, Transparency

[*] Corresponding Author: Email: Koroshveisi@iau.ac.ir

پژوهش‌های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش
دورة ۱۸، شمارة ۲، تابستان ۱۴۰۵
ص ص : ۹۳- ۷۵

شناسایی عوامل مؤثر بر مدیریت جهت‌دار انتخابات در هیئت‌ها و فدراسیون‌های ورزشی ایران

نوید یزدانی [۱] - کورش ویسی* [۲] - سید عبدالحمید احمدی [۳]
۱ . دکتری تخصصی مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. ۲ . استادیار مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.
۳ .دانشیار ،گروه تربیت بدنی ، دانشگاه علم و فرهنگ ،تهران، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹، تاریخ تصویب: ۱۴۰۵/۰۵/۰۳)

چکیده
مدیریت جهت‌دار انتخابات پدیده ای پیچیده است که تحت تأثیر عوامل مختلف ساختاری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فردی قرار دارد و فرآیند انتخاباتی فدراسیونها را تحت تأثیر قرار میدهد. هدف اصلی این تحقیق شناسایی این عوامل و تحلیل اثرات آنها بر تصمیم گیری ها و عملکرد فدراسیونها است.این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت کیفی است که با رویکرد تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) انجام شد. جامعه پژوهش شامل کاندیداها و رؤسای فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی استانی، مدیران کل ورزش و جوانان، و نمایندگان داوران، مربیان و ورزشکاران در مجامع انتخاباتی که دارای حق رأی بوده‌اند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته گردآوری شد و فرایند نمونه‌گیری تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت که در مجموع ۱۵مصاحبه انجام شد. داده‌ها بر اساس الگوی شش‌مرحله‌ای تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) تحلیل گردید و کدگذاری به صورت دستی انجام گرفت. یافته‌های پژوهش منجر به شناسایی ۶ مضمون اصلی و ۲۲ مضمون فرعی شد که ابعاد مختلف مدیریت جهت‌دار انتخابات از جمله مدیریت جهت‌دار منابع، مدیریت جهت‌دار رسانه‌ای، مدیریت جهت‌دار دولتی و سیاسی، مدیریت جهت‌دار صلاحیت، مدیریت جهت‌دار حقوقی و مدیریت جهت‌دار ساختاری شناسایی شدند. این پژوهش تأکید میکند که مدیریت جهت‌دار انتخابات در فدراسیون‌های ورزشی ایران به دلیل تعامل پیچیده این عوامل، نیازمند اصلاحات اساسی در قوانین، نظارت و شفافیت است. تقویت نظارت، کاهش نفوذ سیاسی و اقتصادی، و ایجاد تغییرات در فرآیندهای انتخاباتی میتواند به بهبود شفافیت، عدالت و کارایی انتخابات فدراسیون ها منجر شود. همچنین این تحقیق پیشنهاداتی برای بهبود فرآیند انتخابات و کاهش اثرات منفی مدیریت جهت‌دار انتخابات ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی:
شفافیت، فساد سازمانی، فدراسیون‌های ورزشی، مدیریت جهت‌دار انتخابات، نظارت.

* نویسنده مسئول: پست الکترونیکی: Koroshveisi@iau.ac.ir

مقدمه

انتخابات[1] در سازمان‌های ورزشی، به‌ویژه فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی، یکی از ارکان بنیادین حکمرانی ورزش[2] به شمار می‌رود؛ چرا که تعیین‌کننده ترکیب مدیران، جهت‌گیری‌های راهبردی، نحوه تخصیص منابع و مسیر توسعه ورزش در سطوح ملی و بین‌المللی است (۱). نظام‌های انتخاباتی سالم، پیش‌شرط تحقق اصول حکمرانی خوب در ورزش از جمله شفافیت، پاسخگویی، عدالت و شایسته‌سالاری محسوب می‌شوند (۲). در مقابل، هرگونه انحراف در فرایندهای انتخاباتی می‌تواند مشروعیت[3] نهادهای ورزشی را تضعیف کرده و کارآمدی مدیریتی آن‌ها را با چالش جدی مواجه سازد (۳). در دنیای ورزش مدرن، فدراسیون‌های ورزشی صرفاً نهادهایی فنی نیستند، بلکه بازیگرانی اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی به شمار می‌روند که تصمیمات آن‌ها آثار گسترده‌ای بر اعتماد عمومی، سرمایه‌گذاری، عملکرد ورزشکاران و اعتبار بین‌المللی کشورها دارد (۴). از این‌رو، سلامت انتخابات در این نهادها نه‌تنها یک مسئله مدیریتی، بلکه یک دغدغه کلان حکمرانی ورزش محسوب می‌شود. در ادبیات علوم سیاسی و مدیریت، « مدیریت جهت‌دار انتخابات» به مجموعه‌ای از اقدامات سازمان‌یافته، آشکار یا پنهان اطلاق می‌شود که با هدف تأثیرگذاری سیستماتیک بر فرایند یا نتایج انتخابات، به نفع افراد یا گروه‌های خاص صورت می‌گیرد (۵). این پدیده می‌تواند اشکال متنوعی از جمله دستکاری قوانین انتخاباتی، کنترل نامزدها، نفوذ در رأی‌دهندگان، لابی‌گری سازمان‌یافته، سوءاستفاده از منابع مالی و بهره‌گیری ابزاری از رسانه‌ها را دربر گیرد. تحلیل مدیریت جهت‌دار انتخابات مستلزم بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری چندسطحی است. از منظر نهادگرایی، نورث (۱۹۹۰) نشان می‌دهد که ضعف یا ابهام در قواعد رسمی و غیررسمی، زمینه نهادینه‌شدن رفتارهای فرصت‌طلبانه و فسادآلود را فراهم می‌سازد. داونز (۱۹۵۷) (۶) با نگاه عقلانیت ابزاری، رفتار انتخاباتی کنشگران را مبتنی بر حداکثرسازی منافع شخصی تبیین می‌کند، در حالی که رز-آکرمن (۱۹۹۹) تعارض منافع میان منافع عمومی و خصوصی را هسته اصلی تخلفات انتخاباتی می‌داند. از سوی دیگر، رویکرد فوکویی به قدرت، بر نقش شبکه‌های غیررسمی، نفوذ نرم و روابط پنهان در شکل‌دهی به نتایج انتخاباتی تأکید دارد(۷). ترکیب این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که مدیریت جهت‌دار انتخابات، پدیده‌ای تصادفی یا فردی نیست، بلکه محصول تعامل ساختارها، کنشگران و مناسبات قدرت است. در ایران، فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی به‌عنوان نهادهای کلیدی مدیریت ورزش، تحت نظارت وزارت ورزش و جوانان فعالیت می‌کنند و از جایگاهی نیمه‌دولتی برخوردارند. این وضعیت خاص نهادی، اگرچه می‌تواند انسجام سیاست‌گذاری را تقویت کند، اما هم‌زمان زمینه بروز چالش‌هایی نظیر نفوذ دولتی، تعارض منافع، وابستگی مالی و محدودیت استقلال مدیریتی را فراهم می‌آورد (۸, ۹).

علی‌رغم آنکه اساسنامه فدراسیون‌های ورزشی ایران بر استقلال اداری و مالی تأکید دارد (وزارت ورزش و جوانان، ۱۴۰۰)، تغییرات مکرر قوانین و آیین‌نامه‌های انتخاباتی، ابهام در فرایندهای نظارتی و نبود سازوکارهای شفاف برای فناوری‌های نوین رأی‌گیری، می‌تواند بستر مناسبی برای تفسیرهای سلیقه‌ای و مدیریت جهت‌دار انتخابات ایجاد کند (۱۰). افزون بر این، کاهش مشارکت ذی‌نفعان، بی‌اعتمادی اعضا و تضعیف تجربه رأی‌دهندگان، از پیامدهای محتمل اختلال در سلامت انتخابات ورزشی در کشور به شمار می‌رود (۱۱).

بررسی تطبیقی شیوه‌های انتخاب مدیران در فدراسیون‌های ورزشی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که الگوهای نهادی متفاوتی برای سازمان‌دهی انتخابات و تعیین مدیران این نهادها وجود دارد که می‌تواند بر میزان شفافیت، استقلال و پاسخگویی در فرایندهای انتخاباتی تأثیرگذار باشد. در آلمان، نظام ورزش بر اصل خودگردانی استوار است و فدراسیون‌های ورزشی در قالب ساختاری انجمنی و شبکه‌ای از فدراسیون‌های منطقه‌ای، فدراسیون‌های رشته‌ای و باشگاه‌های

[1] Elections
[2] Sports Governance
[3] Legitimacy

ورزشی فعالیت می‌کنند؛ در این چارچوب، ساختارهای مجمعی و انجمنی نقش مهمی در تعیین مدیران و هدایت سازمان دارند (۲). در بریتانیا نیز، هرچند سازمان‌های ورزشی از استقلال نسبی برخوردارند، بهره‌مندی از منابع مالی عمومی منوط به رعایت «کد حکمرانی ورزش» است. این کد الزامات مشخصی در زمینه ساختار و ترکیب هیئت‌مدیره، حضور اعضای مستقل غیرموظف و محدودیت دوره تصدی مدیران تعیین می‌کند و از این طریق در پی ارتقای شفافیت، پاسخ‌گویی و کیفیت حکمرانی در سازمان‌های ورزشی است (۱۲). در ایالات متحده آمریکا نیز دستورالعمل‌های حکمرانی نهادهای حاکم بر ورزش ملی بر نقش محوری هیئت‌مدیره در حکمرانی سازمان و مشارکت نمایندگان ورزشکاران در ساختار تصمیم‌گیری تأکید دارند؛ به‌گونه‌ای که در برخی راهنماهای حکمرانی سهمی برای نمایندگان ورزشکاران در ترکیب هیئت‌مدیره پیش‌بینی شده است (۱۳). در فرانسه نیز فدراسیون‌های ملی ورزشی در چارچوبی شبکه‌ای فعالیت می‌کنند و در عین حال دولت از طریق حمایت‌های مالی مستقیم و غیرمستقیم و تخصیص کارشناسان فنی نقش قابل توجهی در نظام اداره و نظارت بر این فدراسیون‌ها ایفا می‌کند (۱٤). این تجارب نشان می‌دهد که ساختارهای حکمرانی، ترکیب هیئت‌مدیره، میزان مداخله دولت و مشارکت ذی‌نفعان از جمله عواملی هستند که می‌توانند بر نحوه شکل‌گیری و سلامت فرایندهای انتخاب مدیران در فدراسیون‌های ورزشی اثرگذار باشند.

در این پژوهش، مدیریت جهت‌دار انتخابات به مجموعه اقدام‌ها و مداخلاتی اطلاق می‌شود که فرایند انتخابات را از مسیر رقابت عادلانه و بی‌طرفانه منحرف کرده و آن را در جهت منافع بازیگران خاص هدایت می‌کند. در بستر ورزش ایران، گزارش‌های رسانه‌ای، انتقادات کارشناسان و مشاهدات میدانی حاکی از آن است که این پدیده می‌تواند مصادیقی نظیر عزل و نصب‌های شتاب‌زده رؤسای هیئت‌ها در آستانه انتخابات، اعمال تفسیرهای سلیقه‌ای در تأیید صلاحیت‌ها، تغییر آیین‌نامه‌ها برای محدود کردن رقبا و استفاده ابزاری از منابع فدراسیون داشته باشد. با وجود طرح مداوم این انتقادات در فضای ورزش کشور، تاکنون مطالعه‌ای منسجم برای شناسایی علمی و دسته‌بندی دقیق این عوامل انجام نشده است. بر این اساس، بررسی ادبیات می‌تواند در تبیین ابعاد مختلف این پدیده مؤثر باشد. ادبیات موجود در این حوزه را می‌توان در چند خوشه اصلی دسته‌بندی کرد. خوشه نخست به مطالعات مربوط به حکمرانی خوب و سلامت سازمانی در ورزش اختصاص دارد. در این زمینه، گیرارت و همکاران با بررسی ۳۵ نهاد حاکم بر ورزش‌های المپیکی نشان دادند که حکمرانی مطلوب، چارچوبی مناسب برای ارزیابی کیفیت اداره سازمان‌های ورزشی فراهم می‌کند و در تبیین ابعادی همچون شفافیت، پاسخ‌گویی و ساختار نهادی این سازمان‌ها نقش مهمی دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که استحکام سازوکارهای حکمرانی می‌تواند در کاهش انحراف فرایندهای تصمیم‌گیری و انتخاباتی در سازمان‌های ورزشی مؤثر باشد (۱). خوشه دوم به مطالعات مرتبط با فساد اداری و مالی در ورزش مربوط می‌شود. در ایران، پژوهش‌هایی مانند نجفی کلوری و همکاران و راه‌پیما و همکاران فساد را عاملی مؤثر بر کاهش کارایی، توسعه و کیفیت مدیریت ورزشی معرفی کرده‌اند. اهمیت این دسته از مطالعات برای پژوهش حاضر در آن است که مدیریت جهت‌دار انتخابات می‌تواند در بستری شکل گیرد که در آن تعارض منافع، روابط غیررسمی، جانبداری نهادی و دسترسی نابرابر به منابع و فرصت‌ها وجود دارد (۹, ۱۵, ۱۶).

خوشه سوم به مطالعات مرتبط با سازوکارها، قواعد و مدیریت انتخابات اختصاص دارد. نوریس[1] در بررسی نظام‌های انتخاباتی نشان می‌دهد که نظام انتخاباتی صرفاً سازوکاری فنی برای تبدیل رأی به کرسی نیست، بلکه به‌واسطه قواعد و مشوق‌هایی که ایجاد می‌کند، می‌تواند بر شکل رقابت، الگوهای مشارکت و کیفیت نمایندگی سیاسی اثر بگذارد؛ از این رو، طراحی قواعد رأی‌گیری یکی از متغیرهای تعیین‌کننده در فهم نتایج و پویایی‌های رقابت انتخاباتی است (۵). همچنین، عالی‌پور نظام حقوقی انتخابات را متکی بر سه لایه قانون اساسی، قوانین عادی و رویه‌های انتخاباتی می‌داند و تأکید می‌کند که ثبات و کارآمدی انتخابات در گرو انسجام

[1] Norris

میان این سه سطح است. وی همچنین نشان می‌دهد که انباشت قوانین و تغییرات مکرر انتخاباتی می‌تواند ثبات حقوقی فرایند انتخابات را تضعیف کرده و بر اعتبار آن اثر منفی بگذارد (۲۷). افزون بر این، پرتوگال و بوگارین بیان کردند که سازوکارهای تأمین مالی کمپین‌های انتخاباتی می‌تواند بر مواضع سیاستی احزاب و میزان برابری در رقابت انتخاباتی اثرگذار باشد، به‌ویژه هنگامی که گروه‌های ذی‌نفع و لابی‌ها در تأمین منابع مالی نقش مؤثری ایفا می‌کنند (۱۷, ۱۸). همچنین، قیصری و همکاران در مطالعه ای با تأکید بر اهمیت مدیریت انتخابات نشان دادند که کیفیت اجرا، نظارت و ساختار نهادی از عوامل کلیدی در سلامت فرایند انتخاباتی هستند (۱۹).

خوشه چهارم به نقش فناوری و رسانه‌ها در فرایندهای انتخاباتی می‌پردازد. اسدی اوجاق و طاهری در مطالعه‌ای نشان می‌دهند که به‌کارگیری فناوری‌های نوین در فرایند انتخابات می‌تواند با افزایش شفافیت، ارتقای سلامت انتخاباتی، کاهش هزینه‌ها و تسهیل مشارکت همراه باشد؛ بااین‌حال، نظام انتخاباتی ایران همچنان با چالش‌هایی مانند غلبه الگوی رأی‌گیری سنتی، پراکندگی قوانین انتخاباتی و فقدان توجه کافی به الزامات اجرایی فناوری مواجه است (۱۰). همچنین، نوروزی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای با تمرکز بر انتخابات فدراسیون فوتبال ایران در توییتر نشان دادند که کاربران شبکه‌های اجتماعی از طریق فریم‌بندی محتوا در ساخت اجتماعی واقعیت انتخاباتی نقش دارند؛ ازاین‌رو، فضای رسانه‌ای و کنش کاربران در شکل‌دهی به افکار عمومی پیرامون انتخابات ورزشی اهمیت دارد (۲۰).

ضرورت انجام این پژوهش از پیامدهای قابل‌مشاهده و مخرب پدیده «مدیریت جهت‌دار انتخابات» بر پیکره ورزش کشور نشأت می‌گیرد. انتخابات در هیئت‌ها و فدراسیون‌های ورزشی، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی مشروعیت‌بخشی و تعیین مسیر راهبردی ورزش کشور، از اهمیت بسزایی برخوردار است. با این حال، شواهد مبتنی بر تحلیل اسناد بالادستی و رویه‌های جاری در نظام حکمرانی ورزش ایران، حاکی از بروز الگوهایی است که در این پژوهش با عنوان «مدیریت جهت‌دار انتخابات» مورد واکاوی قرار می‌گیرد. این پدیده را می‌توان در دو سطح ساختاری و اجرایی تبیین کرد:

در سطح ساختاری، بررسی تحولات مرتبط با تنظیم مقررات انتخاباتی—به‌ویژه تغییرات در اساسنامه‌های تیپ فدراسیون‌ها نشان‌دهنده نوعی مداخله در چارچوب‌های رقابتی است. به‌عنوان نمونه، تغییرات اعمال‌شده در اساسنامه فدراسیون ملی ورزش‌های دانشگاهی در آستانه برگزاری مجمع انتخاباتی ۱۴۰۴، که با اصلاح برخی شروط احراز صلاحیت همراه بوده، در برخی تحلیل‌های حکمرانی ورزشی به‌عنوان مصداقی از ابزارسازی قانونی برای محدودسازی فضای رقابت تفسیر شده است. چنین اقداماتی در ادبیات حکمرانی، در قالب مفهوم قانون‌گذاری مصلحت‌محور قابل تحلیل است؛ رویکردی که می‌تواند اصل برابری فرصت‌ها را تحت تأثیر قرار داده و کارکرد دموکراتیک مجامع انتخاباتی را با چالش مواجه سازد.

در سطح اجرایی نیز، بررسی رویه‌های مدیریتی در برخی فدراسیون‌ها، از جمله فدراسیون بدنسازی و پرورش اندام ایران در سال‌های اخیر، بیانگر تغییرات مدیریتی در سطح هیئت‌های استانی در بازه‌های زمانی نزدیک به برگزاری انتخابات است. این تغییرات، با توجه به نقش رؤسای هیئت‌ها در ترکیب مجامع، می‌تواند به‌طور غیرمستقیم بر نتایج انتخابات تأثیرگذار باشد. در ادبیات حکمرانی بد در ورزش، چنین رویه‌هایی به‌عنوان یکی از چالش‌های تضعیف رقابت سالم و کاهش شفافیت در فرآیندهای انتخاباتی مطرح شده‌اند.پیامدهای این وضعیت در سطوح مختلف قابل‌مشاهده است؛ از جمله افزایش حواشی و اختلافات حقوقی در فرآیندهای انتخاباتی، بی‌ثباتی مدیریتی در فدراسیون‌ها، کاهش اعتماد ذی‌نفعان (شامل ورزشکاران، مربیان و فعالان اقتصادی) و تضعیف انگیزه سرمایه‌گذاری در ورزش؛ پیامدهایی که در نهایت می‌تواند بر عملکرد فنی و نتایج بین‌المللی ورزش کشور نیز اثرگذار باشد.

در حالی که مطالعات پیشین، از جمله پژوهش راه‌پیما و همکاران، به تبیین ابعاد فساد در انتخابات و تأثیرات آن بر توسعه فدراسیون‌ها پرداخته‌اند، اما نیاز مبرمی به درکِ دقیق‌ترِ سازوکارهایِ منجر به

"مدیریت جهت‌دار" و ابزارهای نوین تأثیرگذار بر آن احساس می‌شود، خلأهای دانشی قابل‌توجهی در این حوزه محسوس است: نخست، فقدان مدلی جامع و بومی برای تبیین سازوکارهای «مدیریت جهت‌دار انتخابات» در سطوح میانی (هیئت‌ها) و اجرایی (فدراسیون‌ها)؛ دوم، نبود تحلیل یکپارچه از تعامل میان عوامل ساختاری، سیاسی و فناورانه در شکل‌گیری این پدیده؛ و سوم، کم‌توجهی به نقش ابزارهای نوین در تأثیرگذاری بر فرآیندهای انتخاباتی.بر این اساس، شناسایی و تبیین علمی ابعاد، سازوکارها و پیامدهای مدیریت جهت‌دار انتخابات، نه‌تنها یک ضرورت پژوهشی، بلکه گامی اساسی در جهت اصلاح و بهبود ساختارهای حکمرانی ورزش کشور محسوب می‌شود.

بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر مدیریت جهت‌دار انتخابات در هیئت‌ها و فدراسیون‌های ورزشی ایران است. سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: عوامل مؤثر بر مدیریت جهت‌دار انتخابات در فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی ایران کدام‌اند و این عوامل چگونه در تعامل با یکدیگر عمل می‌کنند؟ نوآوری این پژوهش در ارائه چارچوبی تحلیلی برای تبیین سازوکارهای مدیریت جهت‌دار انتخابات در ورزش ایران نهفته است که می‌تواند مبنایی برای ارتقای سلامت انتخاباتی و تقویت حکمرانی خوب در ورزش کشور فراهم آورد. برای دستیابی به این هدف، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و به‌کارگیری روش تحلیل مضمون، داده‌های حاصل از دیدگاه خبرگان حوزه مدیریت و حکمرانی ورزش را مورد تحلیل قرار داده است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف در زمره مطالعات کاربردی–توسعه‌ای قرار می‌گیرد و از نظر ماهیت، پژوهشی کیفی است که با رویکرد تحلیل مضمون انجام شده است. هدف اصلی این مطالعه شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر مدیریت جهت‌دار انتخابات در هیئت‌ها و فدراسیون‌های ورزشی ایران و در نهایت ارائه چارچوبی مفهومی برای درک سازوکارهای شکل‌گیری این پدیده در ساختار حکمرانی ورزش کشور است. با توجه به پیچیدگی پدیده مدیریت جهت‌دار انتخابات و ماهیت چندبعدی آن که در تعامل میان ساختارهای نهادی، روابط قدرت، فرآیندهای مدیریتی و کنش بازیگران انتخاباتی شکل می‌گیرد، استفاده از رویکرد کیفی این امکان را فراهم می‌کند که ادراکات، تجربیات و تحلیل‌های خبرگان و کنشگران درگیر در فرآیندهای انتخاباتی ورزش به‌صورت عمیق بررسی شود. در این راستا، برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) استفاده شد که یکی از رویکردهای معتبر و پرکاربرد در تحلیل داده‌های کیفی به شمار می‌رود و امکان استخراج نظام‌مند الگوهای معنایی از داده‌های متنی را فراهم می‌کند.

جامعه پژوهش شامل افرادی بود که تجربه مستقیم یا نقش مؤثر در فرآیندهای انتخاباتی ورزش کشور داشته‌اند. این افراد شامل کاندیداهای شرکت‌کننده در انتخابات ریاست فدراسیون‌های ورزشی یا هیئت‌های ورزشی استانی ، مدیران کل ورزش و جوانان و همچنین نمایندگان داوران، مربیان و ورزشکاران دارای حق رأی در مجامع انتخاباتی بودند.انتخاب مشارکت‌کنندگان به‌صورت نمونه‌گیری هدفمند انجام شد تا افرادی که از دانش، تجربه و آگاهی کافی درباره سازوکارهای انتخابات در ساختار ورزش برخوردار بودند شناسایی و در پژوهش مشارکت داده شوند. معیارهای ورود به پژوهش شامل داشتن حداقل یک دوره تجربه حضور در مجامع انتخاباتی فدراسیون‌ها یا هیئت‌های ورزشی، آشنایی با فرآیندهای انتخاباتی در ساختار ورزش کشور و تمایل به مشارکت در مصاحبه بود. احراز صلاحیت مشارکت‌کنندگان نیز از طریق بررسی سوابق مدیریتی و اجرایی آنان در حوزه ورزش و همچنین تجربه حضور در مجامع انتخاباتی صورت گرفت.فرآیند نمونه‌گیری تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت؛ به این معنا که جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به‌صورت هم‌زمان و در یک روند تعاملی انجام گرفت و تا مصاحبه سیزدهم اطلاعات جدیدی که منجر به شکل‌گیری کد یا مقوله تازه شود مشاهده نشد. با این حال، به منظور اطمینان از کفایت داده‌ها و تقویت غنای تحلیلی، دو مصاحبه دیگر نیز انجام شد. در مجموع ۱۵ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق با خبرگان و کنشگران مرتبط با مجامع انتخاباتی ورزش انجام گرفت که مصاحبه‌های چهاردهم و پانزدهم عمدتاً در جهت تأیید و تثبیت مضامین استخراج‌شده عمل کردند و به توسعه مقوله‌های جدید منجر نشدند.

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود که امکان بررسی عمیق دیدگاه‌ها، تجربیات و برداشت‌های مشارکت‌کنندگان از فرآیندهای انتخاباتی در ورزش را فراهم می‌کرد. مصاحبه‌ها در بازه زمانی اردیبهشت تا خرداد سال۱۴۰۴ انجام شد و بسته به شرایط و دسترسی مشارکت‌کنندگان به‌صورت حضوری و مجازی برگزار گردید. مصاحبه‌های حضوری در محیطی آرام و بدون مزاحمت و با رعایت ملاحظات اخلاقی انجام شد و در مواردی که امکان حضور فیزیکی فراهم نبود، مصاحبه‌ها از طریق بسترهای ارتباطی برخط انجام گرفت. مدت زمان هر مصاحبه به‌طور متوسط بین ۳۵ تا ۵۰ دقیقه بود. در ابتدای هر مصاحبه، هدف پژوهش برای مشارکت‌کنندگان تشریح شد و از آنان خواسته شد تجربیات و دیدگاه‌های خود را درباره فرآیندهای انتخاباتی در فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی بیان کنند. مصاحبه‌ها با پرسش‌های کلی و اکتشافی آغاز می‌شد و در ادامه با طرح پرسش‌های پیگیری و تعمیقی تلاش می‌شد ابعاد مختلف موضوع روشن شود. تمامی مصاحبه‌ها با رضایت مشارکت‌کنندگان ضبط و پس از پایان، به‌صورت کامل پیاده‌سازی و برای تحلیل آماده شد. راهنمای مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بر اساس مرور ادبیات نظری و پژوهش‌های پیشین تدوین شد و شامل مجموعه‌ای از پرسش‌های باز بود که به مشارکت‌کنندگان امکان می‌داد دیدگاه‌ها و تجربیات خود را درباره فرآیندهای انتخاباتی در فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی بیان کنند. برخی از مهم‌ترین پرسش‌های راهنمای مصاحبه عبارت بودند از:

۱. از دیدگاه شما، مدیریت جهت‌دار انتخابات در هیئت‌ها و فدراسیون‌های ورزشی چگونه شکل می‌گیرد و چه عواملی در بروز آن نقش دارند؟

۲. منابع مالی و امکانات سازمانی چه نقشی در جهت‌دهی به آرای اعضای مجمع و نتایج انتخابات دارند؟

۳. رسانه‌ها و کانال‌های اطلاع‌رسانی چه تأثیری بر معرفی نامزدها و جهت‌دهی به فضای انتخابات در فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی دارند؟

۴. نقش نهادهای دولتی، از جمله وزارت ورزش و جوانان و ادارات کل استانی، در فرآیند انتخابات و شکل‌گیری نتایج آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۵. از نظر شما چه خلأهای قانونی یا ساختاری می‌تواند زمینه‌ساز مدیریت جهت‌دار انتخابات شود؟

در جریان مصاحبه‌ها، بسته به پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان، پرسش‌های پیگیری و تعمیقی نیز برای روشن‌تر شدن ابعاد مختلف موضوع مطرح می‌شد. مصاحبه‌ها پس از اخذ رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان ضبط و سپس به‌طور کامل واژه‌نگاری شدند تا امکان تحلیل دقیق داده‌ها فراهم شود.

تحلیل داده‌ها بر اساس الگوی شش‌مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶)(۲۱) انجام گرفت. در گام نخست، پژوهشگر با مطالعه مکرر متن مصاحبه‌ها به درک عمیق‌تری از داده‌ها دست یافت و با محتوای آن‌ها آشنا شد. در مرحله دوم، کدهای اولیه به‌صورت استقرایی از دل داده‌ها استخراج شدند. به‌منظور شفاف‌سازی این فرآیند، می‌توان به این نمونه اشاره کرد: گزاره منابع مالی فدراسیون و هیئت‌ها صرف جذب آرای اعضای مجمع می‌شود ابتدا به کدهای اولیه بهره برداری انتخاباتی از بودجه فدراسیون و تخصیص منابع مالی برای جذب رأی تبدیل شد. در مرحله سوم، کدهای دارای تناسب معنایی در قالب مضامین اولیه سازمان‌دهی شدند نظیر شکل‌گیری مضمون فرعی استفاده ابزاری از منابع مالی. در ادامه و در مرحله چهارم، مضامین فرعی استخراج‌شده مورد بازبینی و پالایش قرار گرفتند تا انسجام درونی هر مضمون و تمایز میان مضامین مختلف مشخص شود. در مرحله پنجم، مضامین نهایی تعریف و نام‌گذاری شدند و روابط مفهومی میان آن‌ها مورد تبیین قرار گرفت مانند ارتقاء به مضمون اصلی مدیریت جهت‌دار منابع. در نهایت و در مرحله ششم، یافته‌های تحلیل در قالب شبکه مضامین ارائه شد و چارچوب مفهومی عوامل مؤثر بر مدیریت جهت‌دار انتخاباتدر هیئت‌ها و فدراسیون‌های ورزشی ایران ترسیم گردید. فرآیند کدگذاری داده‌ها به‌صورت دستی و با رویکرد استقرایی انجام شد و مضامین عمدتاً از داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها استخراج شدند؛ با این حال، در مرحله تفسیر نهایی، از چارچوب‌های نظری مرتبط با حکمرانی ورزش، ساختارهای نهادی و فرآیندهای قدرت در سازمان‌ها نیز برای غنای تحلیلی و انسجام مفهومی یافته‌ها استفاده شد.

برای افزایش اعتبار و قابلیت اعتماد یافته‌ها، معیارهای پیشنهادی لینکلن و گوبا (۱۹۸۵)(۲۲) شامل اعتبار، انتقال‌پذیری، پایایی و تأییدپذیری مورد توجه قرار گرفت. به‌منظور تقویت اعتبار، بخشی از نتایج اولیه تحلیل و مضامین استخراج‌شده برای تعدادی از مشارکت‌کنندگان ارسال شد تا میزان انطباق تفسیرها با تجربیات و دیدگاه‌های آنان مورد بررسی قرار گیرد و در صورت لزوم اصلاحات لازم اعمال شود. همچنین فرآیند تحلیل داده‌ها در چند مرحله با یک پژوهشگر آشنا با روش‌شناسی تحقیق کیفی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت تا از منطق کدگذاری و شکل‌گیری مضامین اطمینان حاصل شود. برای افزایش انتقال‌پذیری تلاش شد توصیف نسبتاً دقیق و غنی از زمینه پژوهش، ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان و مراحل گردآوری و تحلیل داده‌ها ارائه شود. به‌منظور اطمینان از پایایی تحلیل داده‌ها، تمامی مراحل پژوهش از طراحی راهنمای مصاحبه تا فرایند کدگذاری و استخراج مضامین به‌صورت نظام‌مند مستندسازی شد. همچنین برای سنجش پایایی کدگذاری‌ها از روش توافق بین کدگذاران و با استفاده از ضریب پایایی هولستی[1] استفاده شد. بدین منظور، ۳ مصاحبه از مجموع ۱۵ مصاحبه (حدود ۲۰ درصد کل مصاحبه‌ها) به‌طور مستقل توسط پژوهشگر و یک پژوهشگر آشنا با روش تحلیل کیفی کدگذاری شد. سپس میزان توافق میان کدهای استخراج‌شده با استفاده از فرمول هولستی محاسبه گردید. نتایج محاسبه نشان داد ضریب پایایی کدگذاری برابر با ۰/۸۴ است که بیانگر سطح مطلوبی از توافق و پایایی در فرایند کدگذاری و استخراج مضامین می‌باشد. در انجام این پژوهش ملاحظات اخلاقی نیز رعایت شد. پیش از شروع مصاحبه‌ها، اهداف پژوهش و نحوه استفاده از داده‌ها برای مشارکت‌کنندگان تشریح شد و رضایت آگاهانه آنان برای مشارکت در پژوهش اخذ گردید. همچنین به مشارکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات ارائه‌شده به‌صورت محرمانه مورد استفاده قرار خواهد گرفت و در صورت تمایل می‌توانند در هر مرحله از پژوهش از ادامه همکاری انصراف دهند.

یافته‌ها

در این بخش، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها و کدگذاری‌های انجام‌شده برای شناسایی عوامل مؤثر بر مدیریت جهت‌دار انتخابات در فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی ایران ارائه خواهد شد. این تحقیق از روش تحلیل مضمون برای استخراج و سازماندهی داده‌های کیفی استفاده کرده است. داده‌ها پس از جمع‌آوری از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته، کدگذاری شده و در قالب مضامین اصلی و فرعی قرار گرفتند. سپس، این مضامین برای تجزیه و تحلیل دقیق‌تر و شفاف‌تر دسته‌بندی و تحلیل شدند. این بخش به طور مفصل نتایج تحلیل مضمون را در شش بخش کلیدی بررسی می‌کند: مدیریت جهت‌دار منابع، مدیریت جهت‌دار رسانه‌ای، مدیریت جهت‌دار دولتی و سیاسی، مدیریت جهت‌دار صلاحیت، مدیریت جهت‌دار ساختاری، و مدیریت جهت‌دار حقوقی. تجزیه‌وتحلیل اطلاعات به‌عنوان یکی از مراحل علمی، از ارکان اساسی هر پژوهش علمی محسوب می‌شود که به واسطه آن تمامی فعالیت‌های تحقیقاتی تا دستیابی به نتایج، کنترل و هدایت می‌شوند.

ویژگی‌های دموگرافیک مصاحبه‌شوندگان

در این تحقیق، تعداد ۱۵ نفر به عنوان مصاحبه‌شونده انتخاب شدند در این بخش به بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه تحت بررسی از جمله سن، جنسیت، میزان تحصیلات و شغل پرداخته می‌شود. در جدول (۱) ویژگی‌های دموگرافیک این افراد آورده شده است.

جدول(۱). ویژ گی‌های جمعیت شناختی مشارکت کنندگان در پژوهش

متغیر	ویژگی جمعیت شناختی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۶	۴۰٪
	مرد	۹	۶۰٪
	کارشناسی ارشد و پایین تر	۱۲	%۸۰

[1] Holsti

%۲۰	۳	دکتری تخصصی	**تحصیلات**
%۵۳	۸	کمتر از ۳۵ سال	**سن**
%۲۰	۳	۳۵ تا ۴۵ سال	
%۲۷	۴	۴۵ سال و بیشتر	
%۲۰	۳	مدیران کل ورزش استان ها	**شغل**
%۳۳	۵	کاندیداهای ریاست فدراسیون ها و هیات های استانی	
%۴۷	۷	نمایندگان داوران و مربیان و ورزشکاران در مجامع انتخاباتی فدراسیون ها و هیات های استانی	
100	۱۵		**کل**

جدول (۱) نشان می‌دهد که ۶۰٪ از مصاحبه‌شوندگان مرد و ۴۰٪ زن بوده‌اند. همانطور که مشاهده می‌شود، ٪۵۳/۳۳از مصاحبه‌شوندگان در گروه سنی ۳۵ سال به پایین قرار دارند، که بیشترین درصد را تشکیل می‌دهند.طبق جدول، ۸۰٪ از مصاحبه‌شوندگان دارای مدرک کارشناسی ارشد و پاینتر هستندو بیشترین درصد مصاحبه‌شوندگان (۴۷٪) در حوزه نمایندگان داوران و مربیان و ورزشکاران در مجامع انتخاباتی فدراسیون ها و هیات های استانی بودند.

در جدول(۲)کدگذاری‌های انجام‌شده برای داده‌های مصاحبه آورده شده است.

جدول(۲) کد گذاری تحلیل مضمون

مضمون اصلی	مضمون فرعی	کد اولیه	گزاره	کد مشارکت‌کننده	ردیف
مدیریت جهت‌دار منابع	استفاده ابزاری از منابع مالی	بهره‌برداری انتخاباتی از بودجه فدراسیون	منابع مالی فدراسیون و هیات ها صرف جذب آرای اعضای مجمع می‌شود.	p(1,2,3,4,5,11,12,115)	۱
		تخصیص منابع مالی برای جذب رأی			
	وعده‌های مالی به اعضا	وعده پرداخت کمک مالی	در برخی موارد، وعده‌های مالی به اعضای مجمع داده می‌شود تا از یک کاندیدا حمایت کنند.	p(1,2,7,9,10,12,13,15)	۲
		تعهد تأمین بودجه برای هیئت‌ها			
		پیشنهاد حمایت مالی در قبال رأی			
	وابستگی اقتصادی رأی‌دهندگان	وابستگی مالی هیئت‌ها به فدراسیون	بسیاری از رأی‌دهندگان به دلیل وابستگی مالی، استقلال رأی ندارند.	p(1,4,6,8,9,10)	۳
		تأثیر منافع اقتصادی بر رأی ورزشکاران و مربیان			
	امکانات ویژه به اعضا	اعطای سفرهای ورزشی	اعضا برای حمایت از کاندیدا، امکانات ویژه‌ای مانند سفرهای آموزشی یا حضور در مسابقات و همایش‌های بین‌المللی دریافت می‌کنند.	p(4,7,,9,11,12,14,15)	۴
		ارائه امتیازات ویژه سازمانی			
		اعزام به مسابقات و همایش‌ها			

ردیف	کد مشارکت‌کننده	گزاره	کد اولیه	مضمون فرعی	مضمون اصلی
۵	p(1,3,5,7,9,13)	برخی کاندیداها قبل از انتخابات در شهرستان‌ها و استان‌ها به‌طور مستقیم حضور پیدا می‌کنند و برای جلب حمایت،وعده دادن سمت در فدراسیون و هیات ها میدهند.	وعده پست مدیریتی وعده عضویت در کمیته‌ها وعده ارتقای جایگاه سازمانی	وعده های انگیزشی برای اعضای مجمع	
۶	p(2,3,6,8,10,12,13)	رسانه‌ها و کانال‌های رسمی معمولاً از انتشار فراخوان‌های عمومی کاندیداتوری خودداری می‌کنند تا افراد خاص شانس بیشتری برای نامزدی داشته باشند.	عدم اطلاع‌رسانی عمومی انتخابات محدودسازی انتشار فراخوان نامزدی ضعف اطلاع‌رسانی رسانه‌ای	عدم پوشش رسانه‌ای مناسب	مدیریت جهت‌دار رسانه‌ای
۷	p(2,4,7,9,11,14)	رسانه ها به طور جانبدارانه از یک کاندیدای خاص حمایت می‌کنند، از پوشش و تحلیل‌های ناعادلانه استفاده می‌کنند و سایر کاندیداها را تخریب و نادیده می‌گیرند.	جانبداری رسانه‌ای از نامزد خاص تخریب رسانه‌ای رقبا تحلیل‌های جهت‌دار رسانه‌ای	حمایت غیرمنصفانه رسا نه ای از کاندیدا، تحلیل‌های جانبدارانه و عدم پوشش رقبا	
۸	p(1,3,5,8,10,13)	وزارت ورزش و ادارات کل از طریق انتخاب سرپرست، وبا اعمال نفوذ در فراخوان کاندیداتوری مسیر انتخابات را برای کاندیدای خاص یا حتی خود سرپرست هموار می‌کند.	مداخله مدیریتی وزارت در انتخابات تعیین سرپرست برای هدایت انتخابات اثرگذاری ادارات کل بر روند رأی‌گیری	نفوذ وزارت و ادارات کل ورزش و جوانان در مسیر انتخابات	مدیریت جهت‌دار دولتی و سیاسی
۹	p(2,4,6,7,9,10,15)	برخی نامزدها از حمایت‌های غیرمستقیم نمایندگان مجلس یا مقامات سیاسی برخوردارند که فضا را به نفعشان تغییر می‌دهد.	حمایت سیاسی از نامزد خاص دخالت نمایندگان مجلس	نفوذ سیاسی بیرونی	
۱۰	p(1,2,3,5,8.11,12)	وزارت ورزش و دارات کل ورزش و جوانان به‌صورت غیررسمی و پشت پرده اقدام به چینش موافقان یک کاندیدای خاص برای حضور در مجمع می‌کنند.	انتخاب هدفمند اعضای رأی‌دهنده سازماندهی حامیان در مجمع	چینش موافقان کاندیدا	
۱۱	p(2,5,6,7,9,11,12,14,)	قونین مبهم و ناعادلانه در اساسنامه ها به گونه ای طراحی می شود که تنها افراد غیر ورزشی با ارتباطات بیرونی می توانند در انتخابات ها کاندید شوند و افراد ورزشی اکثرا از این فرایند حذف می شوند	ابهام در شرایط نامزدی نابرابری در مقررات انتخاباتی محدودیت قانونی برای برخی نامزدها	قوانین مبهم و ناعادلانه در اساس نامه های انتخاباتی	مدیریت جهت‌دار صلاحیت

ردیف	کد مشارکت‌کننده	گزاره	کد اولیه	مضمون فرعی	مضمون اصلی
۱۲	p(3,5,6,8,11,12,15)	افرادی که سابقه انتقاد از سیاست‌ها دارند، در مراحل اولیه رد صلاحیت می‌شوند.	حذف هدفمند نامزدها	رد صلاحیت سیستماتیک	
			رد صلاحیت منتقدان		
			گزینش جهت‌دار نامزدها		
۱۳	p(4,6,10,12,14)	کمیته‌های ارزیابی تحت فشار برای ارائه گزارش مثبت نسبت به کاندیدای خاص قرار می‌گیرند.	فشار بر کمیته‌های ارزیابی	دستکاری اطلاعات و ارزیابی‌ها	
			ارائه گزارش‌های جانبدارانه		
			تحریف اطلاعات ارزیابی		
۱۴	p(2,3,4,8,9,10,11,12)	اعتراض به نتایج مجامع هیچ سازوکار حقوقی موثری ندارد.	نبود مرجع مؤثر رسیدگی	ضعف سازوکار حقوقی	مدیریت جهت‌دار حقوقی
			ناکارآمدی سازوکار شکایت		
			ضعف نظارت حقوقی		
۱۵	p(3,5,6,9,11,13)	در برخی انتخابات‌ها اسناد تخلف وجود دارد اما پیگیری نمی‌شود.	نادیده گرفتن تخلفات انتخاباتی	عدم پیگیری تخلفات	
			فقدان پیگیری رسمی تخلفات		
			بی‌اثر بودن گزارش تخلف		
۱۶	P(1,4,7,10)	در برخی موارد، سرپرست‌ها برای حذف رقبا از اختیارات قانونی استفاده می‌کنند.	بهره‌برداری شخصی از اختیارات	سوءاستفاده از اختیارات قانونی	
			استفاده ابزاری از جایگاه مدیریتی		
			اعمال قدرت قانونی برای حذف رقبا		
۱۷	p(2,4,5,8,12)	اعضای مجمع عملاً امکان پرسش و نقد از نامزدها در جلسه رسمی را ندارند.	محدودیت پرسش از نامزدها	نبود فضای آزاد انتخاباتی	
			نبود مناظره انتخاباتی		
			کنترل فضای جلسه مجمع		
۱۸	p(3,4,5,6,7,11,13,15)	افرادی که از مسئولان کلیدی فدراسیون‌ها و هیات ها هستند، ساختار انتخابات را هدایت می‌کنند.	کنترل ساختار انتخابات توسط مدیران	هدایت ساختار توسط مسئولان فدارسیونها و هیات ه	
			مدیریت روند رأی‌گیری		

مضمون اصلی	مضمون فرعی	کد اولیه	گزاره	کد مشارکت‌کننده	ردیف
مدیریت جهت‌دار ساختاری		هدایت فرآیند تصمیم‌گیری مجمع			
	همسویی اعضای مجمع با نامزد خاص	تعامل قبلی با نامزد خاص	بیشتر اعضای مجامع از قبل با نامزد خاص تعامل دارند	p(1,3,6,9,10,11,14,15)	۱۹
		حمایت از پیش تعیین‌شده			
		رأی‌دهی مبتنی بر روابط			
	کنترل قدرت از طریق روابط	شبکه روابط مدیریتی	زمانی که رئیس هیئت یا فدراسیون بازنشسته می‌شود، از طریق حمایت از یکی از دوستان یا اقوام خود برای بازگشت به قدرت تلاش می‌کند	p(2,4,7,10,12,13,14)	۲۰
		حفظ قدرت از طریق ارتباطات			
		نفوذ روابط شخصی در تصمیمات			
	دوستی وخانوادگی	حمایت خویشاوندی	اجازه می‌دهد که فرد مورد نظرش که از اقوام یا دوستان است به جای خود به مقام ریاست برسد	p(2,3,4,8,9,15)	۲۱
		روابط دوستانه در انتخاب مدیران			
		انتصاب مبتنی بر روابط شخصی			
	جهت دهی به اعضای مجمع	برگزاری جلسات توجیهی قبل از مجمع	هیات ها و فدراسیون ها با ترتیب دادن جلسات توجیهی و همایش ها قبل از مجمع به کاندیدای خاص حمایت‌های علنی و غیرعلنی می‌دهند و مسیر رأی گیری را تعیین می‌کند	P(1,3,4,5,6,10,11,13,14)	۲۲
		هدایت رأی اعضا			
		بسیج حمایتی پیش از انتخابات			

پس از انجام فرایند کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، مجموعه‌ای از گزاره‌های معنادار استخراج شد. در این مرحله، کدگزاره‌هایی که هم‌پوشانی مفهومی داشتند ادغام و در قالب کدهای اولیه سازمان‌دهی گردیدند. سپس با مقایسه مستمر کدها و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های مفهومی، کدهای هم‌معنا در قالب ۲۲ مضمون فرعی دسته‌بندی شدند. در ادامه، مضامین فرعی بر اساس قرابت مفهومی و کارکردی در سطح بالاتر تلفیق شده و نهایتاً ۶ مضمون اصلی به‌عنوان ابعاد کلیدی مدیریت جهت‌دار انتخابات در هیئت‌ها و فدراسیون‌های ورزشی شناسایی شد.. این مضامین اصلی شامل مدیریت جهت‌دار منابع، مدیریت جهت‌دار رسانه‌ای، مدیریت جهت‌دار دولتی و سیاسی، مدیریت جهت‌دار صلاحیت، مدیریت جهت‌دار حقوقی و مدیریت جهت‌دار ساختاری هستند که هر یک بیانگر نوع خاصی از سازوکارهای اثرگذار بر جهت‌دهی و کنترل فرآیندهای انتخاباتی در ساختار ورزش کشور می‌باشند.

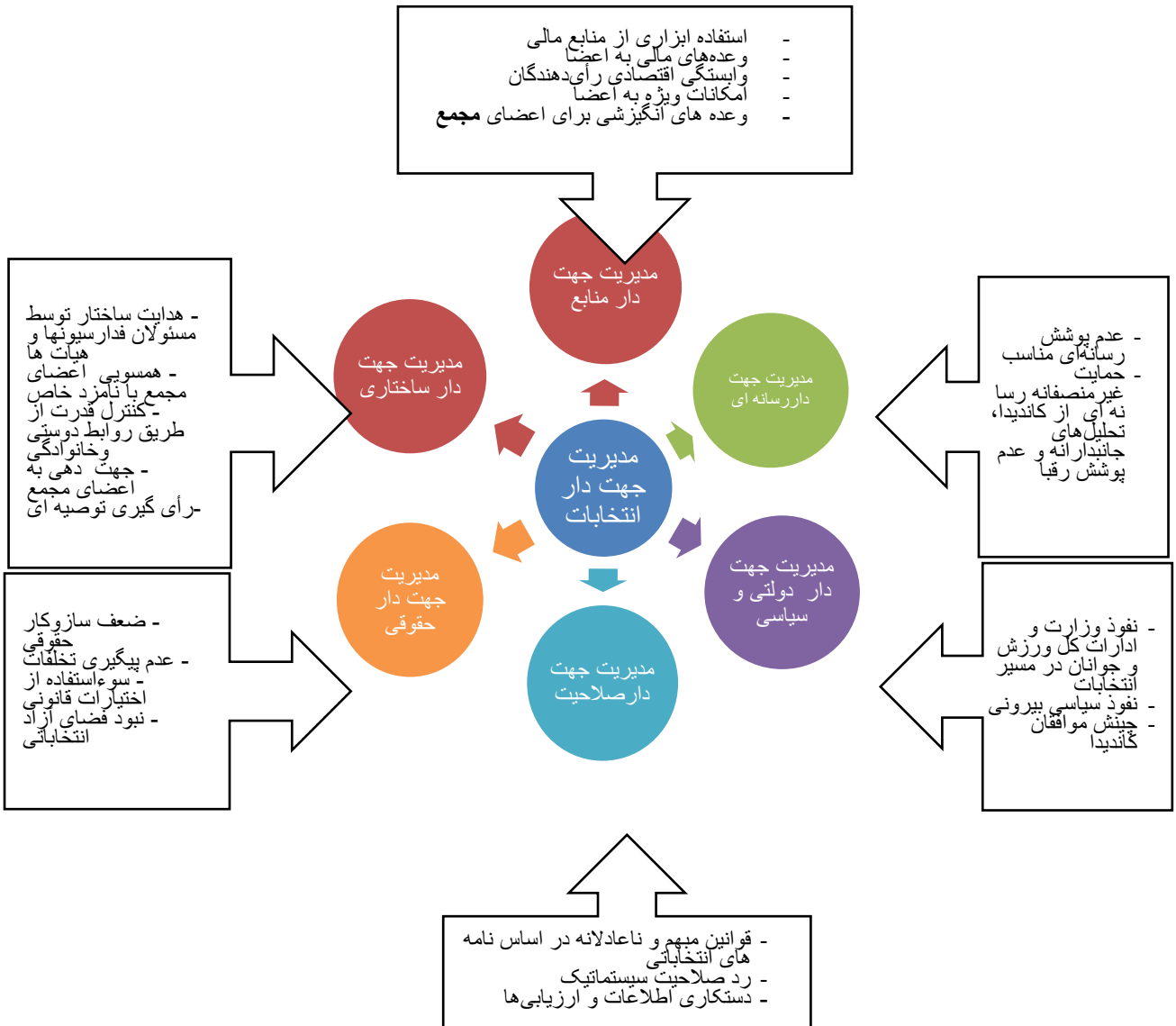
بر اساس جدول کدگذاری، **مضمون مدیریت جهت‌دار منابع شامل** مضامینی نظیر استفاده ابزاری از منابع مالی، وعده‌های مالی به اعضای مجمع، وابستگی اقتصادی رأی‌دهندگان، اعطای امکانات ویژه به اعضا و ارائه وعده‌های انگیزشی برای جلب حمایت اعضای مجمع است. گزاره‌های مرتبط با این مضمون نشان می‌دهد که در برخی موارد از منابع مالی، امکانات و وعده‌های سازمانی برای جلب حمایت اعضای مجمع استفاده می‌شود.

مدیریت جهت‌دار رسانه‌ای نیز یکی دیگر از مضامین اصلی استخراج‌شده از داده‌ها است که شامل مضامینی مانند عدم پوشش رسانه‌ای مناسب فراخوان‌های انتخاباتی و حمایت جانبدارانه رسانه‌ای از برخی کاندیداها می‌باشد. در این بخش، مشارکت‌کنندگان به نقش رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی محدود یا جهت‌دار درباره انتخابات اشاره کرده‌اند.

در بعد **مدیریت جهت‌دار دولتی و سیاسی** مضامینی مانند نفوذ وزارت ورزش و ادارات کل ورزش و جوانان در فرآیند انتخابات، حمایت‌های سیاسی بیرونی و چینش موافقان یک کاندیدای خاص در ترکیب مجمع مشاهده شد. این مضمون به نقش برخی نهادها و بازیگران بیرونی در شکل‌دهی به فضای انتخابات اشاره دارد.

مضمون **مدیریت جهت‌دار صلاحیت** نیز شامل مضامینی مانند وجود قوانین مبهم و ناعادلانه در اساسنامه‌های انتخاباتی، رد صلاحیت برخی افراد در مراحل اولیه و دستکاری اطلاعات و ارزیابی‌ها در فرآیند بررسی صلاحیت‌ها است. این مضمون به فرآیندهای مرتبط با ارزیابی و تأیید صلاحیت نامزدها در انتخابات اشاره دارد.

در بعد **مدیریت جهت‌دار حقوقی** مضامینی نظیر ضعف سازوکارهای حقوقی برای رسیدگی به اعتراضات انتخاباتی، عدم پیگیری تخلفات انتخاباتی و سوءاستفاده از اختیارات قانونی مطرح شده است. این مضامین به مسائل مرتبط با چارچوب‌های حقوقی و نظارتی انتخابات اشاره دارند. در نهایت، **مدیریت جهت‌دار ساختاری** شامل مضامینی مانند نبود فضای آزاد انتخاباتی، هدایت ساختار انتخابات توسط برخی مسئولان، همسویی اعضای مجمع با نامزدهای خاص، کنترل قدرت از طریق روابط و جهت‌دهی به اعضای مجمع پیش از برگزاری انتخابات است. این مضمون به نقش ساختارها و شبکه روابط در شکل‌گیری فرآیندهای انتخاباتی اشاره دارد.



شکل ـ ۱. شبکه مضامین مفهومی مدیریت جهت‌دار انتخابات

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که مدیریت جهت‌دار انتخابات در هیئت‌ها و فدراسیون‌های ورزشی ایران پدیده ای چند بعدی است که از تعامل عوامل اقتصادی، سیاسی، رسانه‌ای، حقوقی، ساختاری و شبکه های غیررسمی روابط شکل می‌گیرد. این یافته بیانگر آن است که فرآیندهای انتخاباتی در ورزش را نمی‌توان صرفاً در چارچوب مقررات رسمی و سازوکارهای قانونی تحلیل کرد، بلکه توجه به روابط قدرت، الگوهای حکمرانی و سازوکارهای غیررسمیِ مؤثر بر تصمیم‌گیری نیز ضرورت دارد. از منظر نهادگرایی، رفتار بازیگران نه تنها تحت تأثیر قوانین رسمی، بلکه متأثر از هنجارها، شبکه‌های ارتباطی و قواعد غیررسمی است که در طول زمان در ساختارهای سازمانی نهادینه شده‌اند(۲۳). بنابراین، مدیریت جهت‌دار انتخابات را می‌توان نتیجه برهمکنش میان نهادهای رسمی و غیررسمی دانست که در نهایت بر توزیع قدرت و نتایج انتخاباتی اثر می‌گذارند.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر، نقش پیشران‌های مالی و اقتصادی در جهت‌دهی به انتخابات بود. نتایج نشان داد که کنترل منابع، وعده حمایت‌های مالی و وابستگی برخی اعضای مجامع به امکانات و اعتبارات ورزشی، می‌تواند بر رفتار رأی‌دهندگان تأثیر بگذارد. این یافته فراتر از نقش سنتی منابع مالی به‌عنوان ابزاری برای اداره امور ورزشی است و نشان می‌دهد که منابع در برخی موارد به ابزاری برای اعمال نفوذ و بازتولید قدرت مدیریتی تبدیل می‌شوند. این نتیجه با مطالعات انجام‌شده در حوزه فساد و حکمرانی ورزش همسو است که وابستگی مالی سازمان‌های ورزشی به منابع متمرکز را زمینه‌ساز شکل‌گیری روابط مبتنی بر منافع و کاهش استقلال تصمیم‌گیری می‌دانند(۱۵, ۱۶). همچنین روز-اکرمن(۲۴) معتقد است در شرایط ضعفِ نظارت و شفافیت، منابع عمومی می‌توانند به ابزار رانت‌جویی و حفظ قدرت تبدیل شوند. بر این اساس، یافته حاضر نشان می‌دهد که بخشی از چالش‌های انتخاباتی در ورزش ایران ریشه در ساختار توزیع منابع و نحوه دسترسی به آن‌ها دارد، نه صرفاً در رفتار فردی مدیران.

یافته دیگر پژوهش به نقش رسانه‌ها در جهت‌دهی به انتخابات مربوط بود. مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های وابسته یا همسو با جریان‌های قدرت، از طریق برجسته‌سازی برخی نامزدها و حاشیه‌نشین کردن رقبا، بر ادراک اعضای مجامع انتخاباتی اثر می‌گذارند. این نتیجه با یافته‌های نوروزی سیدحسینی و همکاران (۱۹) همخوانی دارد که نقش رسانه‌ها را در شکل‌دهی به افکار عمومی و ترجیحات سیاسی مورد تأکید قرار داده‌اند. از منظر نظری نیز این یافته را می‌توان با مفهوم «قدرت گفتمانی» فوکو تبیین کرد؛ جایی که کنترل اطلاعات و تولید گفتمان‌های مسلط، ابزاری برای اعمال قدرت و مشروعیت‌بخشی به برخی

بازیگران محسوب می‌شود(۲۵). بنابراین، رسانه در انتخابات ورزشی صرفاً نقش اطلاع‌رسانی ندارد، بلکه به یکی از ابزارهای اثرگذار در توزیع ناعادلانه فرصت‌های رقابتی میان نامزدها تبدیل شده است.

از دیگر یافته‌های مهم پژوهش، نقش مداخلات دولتی و سیاسی در فرآیند انتخابات بود. نتایج نشان داد که انتصاب سرپرستان، تأثیرگذاری بر ترکیب مجامع، اعمال فشارهای اداری و استفاده از اهرم‌های بودجه‌ای از جمله سازوکارهایی هستند که بر نتایج انتخابات اثر می‌گذارند. این یافته با مطالعات چپلت(۱۳) و سایر پژوهش‌های حوزه حکمرانی ورزش(۲۶, ۲۷) همسو است که به چالش میان استقلال نهادهای ورزشی و مداخلات سیاسی اشاره کرده‌اند. در واقع، هرچه وابستگی ساختارهای ورزشی به نهادهای دولتی بیشتر باشد، احتمال تأثیرگذاری بازیگران سیاسی بر فرآیندهای انتخاباتی نیز افزایش می‌یابد؛ موضوعی که یکی از موانع اصلی تحقق شایسته‌سالاری و استقلال مدیریتی در فدراسیون‌های ورزشی به شمار می‌رود.

در بعد حقوقی، یافته‌ها نشان داد ابهام در مقررات، تفسیرپذیری ضوابط و نبود رویه‌های شفاف در احراز صلاحیت نامزدها، زمینه را برای اعمال سلیقه و جهت‌دهی به انتخابات فراهم می‌کند. این نتیجه با دیدگاه نورث(۲۳) مبنی بر نقش قواعد رسمی در هدایت رفتار بازیگران سازگار است. بر اساس این دیدگاه، هرچه قوانین شفاف‌تر و سازوکارهای نظارتی قوی‌تر باشند، فرصت رفتارهای فرصت‌طلبانه کاهش می‌یابد. در مقابل، ابهام در قوانین، بستری برای تفسیرهای متناقض و اعمال نفوذ در فرآیندهای انتخاباتی ایجاد می‌کند. از این رو، یکی از پیش‌نیازهای اصلی ارتقای سلامت انتخابات در ورزش، بازنگری در مقررات و کاهش خلأهای حقوقی موجود است.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که ساختار انتخابات، از جمله ترکیب مجامع، نحوه رأی‌گیری و اختیارات مدیران برگزارکننده، بر نتایج انتخاباتی تأثیرگذار است. این موضوع نشان می‌دهد که مدیریت جهت‌دار انتخابات تنها به رفتار کنشگران محدود نمی‌شود، بلکه در طراحی ساختارها و فرآیندهای انتخاباتی نیز ریشه دارد. به بیان دیگر، حتی در صورت پایبندی بازیگران به قوانین موجود، برخی ویژگی‌های ساختاری می‌توانند به صورت ناخواسته فرصت بیشتری برای موفقیت گروه‌های خاص فراهم کنند. این یافته اهمیت اصلاحات ساختاری را در کنار اصلاحات رفتاری و نظارتی برجسته می‌سازد.

علاوه بر سازوکارهای رسمی، نتایج پژوهش نقش کلیدی شبکه‌های غیررسمی و روابط شخصی را نیز آشکار ساخت. روابط دوستانه، خانوادگی و حرفه‌ای در بسیاری از موارد به‌عنوان ابزاری برای جلب حمایت و تأثیرگذاری بر تصمیم اعضای مجامع مطرح شدند. این یافته با نظریه انتخاب عقلانی داونز (۶) و همچنین نتایج پژوهش رحیم و همکاران(۲۸) همخوانی دارد که نشان می‌دهند کنشگران در محیط‌های سازمانی اغلب در قالب شبکه‌ای از مبادلات رسمی و غیررسمی عمل می‌کنند. بنابراین، برای درک کامل فرآیندهای انتخاباتی در ورزش، توجه به شبکه‌های قدرت غیررسمی در کنار ساختارهای رسمی ضروری است.

نکته حائز اهمیت آن است که عوامل شناسایی‌شده به‌صورت مستقل عمل نمی‌کنند، بلکه در تعامل با یکدیگر بستر شکل‌گیری مدیریت جهت‌دار انتخابات را فراهم می‌سازند. برای مثال، نفوذ سیاسی می‌تواند از طریق تغییر در ترکیب مجامع یا فرآیند احراز صلاحیت، بسترهای حقوقی و ساختاری لازم را ایجاد کند و در ادامه، دسترسی نابرابر به منابع مالی و ظرفیت‌های رسانه‌ای این مزیت را تقویت نماید. از این منظر، مدیریت جهت‌دار انتخابات محصول شبکه‌ای از روابط قدرت است که ابعاد اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی را به یکدیگر پیوند می‌دهد. این یافته که از مهم‌ترین دستاوردهای پژوهش حاضر محسوب می‌شود، نشان می‌دهد اصلاحات محدود و تک‌بعدی به‌تنهایی قادر به حل این مسئله نخواهد بود؛ بلکه ارتقای شفافیت، تقویت نظارت مستقل، کاهش وابستگی‌های سیاسی و اصلاح ساختارهای انتخاباتی باید به‌صورت همزمان و سیستماتیک مورد توجه قرار گیرند.

پژوهش حاضر با ارائه تصویری یکپارچه و سیستماتیک نشان داد که مدیریت جهت‌دار انتخابات در فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی ایران، پدیده‌ای چندبعدی است که از تعامل پیچیده عوامل منابع، رسانه‌ای، دولتی-سیاسی، حقوقی و ساختاری نشأت می‌گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد این ابعاد در تعامل با یکدیگر می‌توانند زمینه شکل‌گیری الگوهایی از تأثیرگذاری بر فرآیندهای انتخاباتی را فراهم کنند که در برخی موارد با چالش‌هایی برای شایسته‌سالاری، شفافیت و حکمرانی مطلوب در ورزش همراه است. چنین شرایطی ممکن است بر سطح اعتماد ذی‌نفعان، نحوه تخصیص منابع و فرصت‌های مشارکت و رقابت مدیران و نخبگان ورزشی اثر بگذارد.

یافته‌ها حاکی از آن است که فرآیند انتخابات در این سازمان‌ها صرفاً یک روال اداری نیست، بلکه عمیقاً تحت تأثیر روابط قدرت، شبکه‌های حامی‌پروری و مداخلات نهادهای بالادستی قرار دارد که شایسته‌سالاری را به حاشیه می‌راند. بر پایه این یافته‌ها و ادبیات مرتبط، مجموعه‌ای از پیشنهادهای سیاستی برای کاهش زمینه‌های مدیریت جهت‌دار انتخابات در فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی قابل طرح است. از جمله، بازنگری در اساسنامه‌های فدراسیون‌ها با تأکید بر تقویت سازوکارهای نظارت مستقل، ارتقای شفافیت مالی و ارتقای پاسخگویی سازمانی می‌تواند در جهت بهبود حکمرانی سازمانی مؤثر باشد (۲). همچنین، محدودسازی استفاده ابزاری از منابع و امکانات عمومی از طریق تدوین و اجرای مقررات شفاف در زمینه تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی می‌تواند به کاهش برخی عدم‌تعادل‌های رقابتی کمک کند (۱۸).

علاوه بر این، تقویت پوشش رسانه‌ای متوازن و کاهش میزان نفوذ مستقیم نهادهای دولتی در فرآیندهای انتخاباتی از طریق ایجاد کمیته‌های مستقل برای بررسی صلاحیت نامزدها، در کنار پیش‌بینی سازوکارهای حقوقی کارآمد برای رسیدگی به تخلفات و اعتراضات انتخاباتی، می‌تواند به ارتقای سلامت و شفافیت این فرآیندها یاری رساند. در کنار این اقدامات، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند رأی‌گیری الکترونیکی برای افزایش شفافیت و قابلیت نظارت و نیز ترویج فرهنگ شایسته‌سالاری از طریق برنامه‌های آموزشی و توسعه شاخص‌های عینی ارزیابی عملکرد مدیران از جمله اقداماتی است که در ادبیات حکمرانی ورزشی مورد توجه قرار گرفته است (۱۰, ۱۶).

با وجود این، نتایج پژوهش باید با توجه به برخی محدودیت‌ها تفسیر شود. نخست، ماهیت کیفی مطالعه و استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، اگرچه امکان دسترسی به خبرگان و مطلعان کلیدی را فراهم کرده است، اما تعمیم آماری نتایج به کل جامعه فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی را محدود می‌کند. دوم، حساسیت موضوع پژوهش ممکن است بر میزان صراحت برخی مشارکت‌کنندگان در بیان تجربیات و دیدگاه‌ها تأثیر گذاشته باشد. سوم، تمرکز مطالعه بر بستر نهادی ایران سبب می‌شود بخشی از یافته‌ها متأثر از ویژگی‌های خاص نظام حکمرانی ورزش در کشور باشد.

بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده با استفاده از مطالعات کمی و ابزارهای پیمایشی، ابعاد و مؤلفه‌های شناسایی‌شده در این پژوهش به‌صورت تجربی آزمون و میزان تأثیر هر یک از آن‌ها بر فرآیندهای انتخاباتی در فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین انجام مطالعات تطبیقی میان کشورهای مختلف می‌تواند به درک بهتر نقش زمینه‌های نهادی در شکل‌گیری الگوهای مدیریت انتخابات در سازمان‌های ورزشی کمک کند. افزون بر این، بررسی تأثیر اصلاحات نهادی و مقرراتی بر شفافیت و رقابت انتخاباتی در فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی می‌تواند مسیر مهمی برای تحقیقات آینده در حوزه حکمرانی ورزش باشد.

در نهایت، این پژوهش ضمن آشکارسازی پیوندهای پنهان میان ساختارهای نهادی و مدیریت جهت‌دار انتخابات در ورزش ایران، تأکیدی مضاعف بر ضرورتِ گذار از «حکمرانیِ حامی‌پرور» به «حکمرانیِ مبتنی بر شایستگی» است. آنچه در این مسیر حیاتی به نظر می‌رسد، نه صرفاً اصلاحات مقطعی، بلکه ایجاد یک اراده منسجم برای پیاده‌سازی متوازن راهکارهایی است که در این مطالعه تبیین شد. چنانچه اصلاحات نهادی، از تقویت شفافیت مالی گرفته تا نهادسازی

نظارتی، با رویکردی سیستمی و هم افزا اجرایی شوند، می‌توان امیدوار بود که فرهنگِ رقابت در انتخابات ورزشی، از مداخلات غیررسمی فاصله گرفته و به سمت الگویی شفاف، رقابتی و مورد اعتماد برای تمامی ذینفعان حرکت کند. این تحول، گامی بنیادین در راستای ارتقای سرمایه اجتماعی در نظام مدیریت ورزش کشور و تثبیت حکمرانی مطلوب در این عرصه به شمار می‌آید.

References

1. Geeraert A, Alm J, Groll M. Good governance in international sport organizations: an analysis of the 35 Olympic sport governing bodies. International journal of sport policy and politics. 2014;6(3):281-306.

2. Geeraert A. The limits and opportunities of self-regulation: Achieving international sport federations' compliance with good governance standards. European Sport Management Quarterly. 2019;19(4):520-38.

3. Gorse S, Chadwick S. Conceptualising corruption in sport: Implications for sponsorship programmes. The European Business Review. 2010;4:40-5.

4. Houlihan B, Zheng J. The Olympics and elite sport policy: Where will it all end? The international journal of the history of sport. 2013;30(4):338-55.

5. Norris P. Why elections fail: Cambridge University Press; 2015.

6. Downs A. An Economic Theory of Democracy. 1958.

7. Sedashov E, Krikunov K. CONFLICT OF INTEREST, POLICY EFFECTIVENESS, AND ELECTORAL SUPPORT: EVIDENCE FROM A SURVEY EXPERIMENT. Вестник Пермского университета Политология. 2023.

8. Ranjbar S. Types of corruption in sport and ways to combat them. Majlis Research Center of the Islamic Consultative Assembly; 2023.

9. rahpeyma alireza nm, nasiri farsani mokhtar. analysis of corruption in the managerial elections of sports federations and its impact on development strategies. Dynamic Management and Business Analysis. 2025;3(2):34-50.

10. Asadi Oojagh N, Taheri M. A Deliberation on the Application of New Technologies to the Electoral System and its Legal Requirements in the Iranian Legal system. Journal of Research and Development in Comparative Law. 2022;5(15):17-45.

11. James TS, Garnett HA. The voter experience around the world: A human reflexivity approach. Representation. 2024;60(2):231-52.

12. Sport U. A Code for Sports Governance. London: UK Sport and Sport England; 2016.

13. Chappelet J-L, Mrkonjic M. Basic indicators for better governance in international sport (BIBGIS) : an assessment tool for international sport governing bodies. 2013.

14. Bayle E, Robinson L. A Framework for Understanding the Performance of National Governing Bodies of Sport. European Sport Management Quarterly. 2007;7:249-68.

15. Najafi Kolouri M, Hami M, Shojaei V, Bagherian Farahabadi M. Indicators and Components Affecting the Financial Corruption in Sport Industry (Exploration and validation with mixed Approach). Sport Management Journal. 2023;15(4):57-37.

16. Najafikolori M, Goodarzi M, Farahani A, Esmaeli Bidhendi H. Effective factors of corruption in sport organizations (Case study: Football Federation of IR Iran). Sport Management Journal. 2012;4(14):109-22.

17. Norris P. Electoral engineering: Voting rules and political behavior: Cambridge university press; 2004.

18. Portugal AC, Bugarin M, Bó ED. Electoral campaign financing: The role of public contributions and party ideology [with comments]. Economia. 2007;8(1):143-77.

19. Gheisari N, Taheri Fadafan d, Bagheri Farsani M. Administration Body Election in Iran, Quality and that Assessment of Performance. Political Strategic Studies. 2015;4(13):9-34.

20. Rasool Norouzi Seyed H, Mahdi L, Amin Y. "Alone like a Magician...#Ali_Karimi", the examination of public opinion about the elections of the Iranian Football Federation: the social construction of reality on Twitter. Media and Culture Journal. 2022;12(1):361.

21. Braun V, Clarke V. Using thematic analysis in psychology. Qualitative Research in Psychology. 2006;3(2):77-101.

22. Lincoln YS. Naturalistic Inquiry. The Blackwell Encyclopedia of Sociology2007.

23. North DC. Institutions, institutional change and economic performance: Cambridge university press; 1990.

24. Rose-Ackerman S. Corruption and Government: Causes, Consequences, and Reform. 2000.

25. Foucault M. Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings 1972-1977. 1980.

26. Krieger J, Hao YA, Gering T. International sport federations as forums to initiate soft power processes: the case of Russia. Asian journal of sport history & culture. 2023;2(1):1-24.

27. Chappelet J-L, Kübler-Mabbott B. The International Olympic Committee and the Olympic system: The governance of world sport: Routledge; 2008.

28. Rahim A, Chandio NA, Ullah I. Pre and Post Pakistan’s 2024 Elections Scenario: Political Engineering, Electoral Dynamics, and Democratic Trajectories. Social Science Review Archives. 2025;3(4):970-83.